

واکاوی تمایلات انتقادی در ارزیابی تضمین کیفیت کارآفرینی دانشجویان

❖ سلمان دارابی^{۱*} ❖ نعمت‌الله عزیزی^۲ ❖ جمال سلیمی^۳

صفحه: ۴۷-۲۷

چکیده

یکی از مؤلفه‌های سنجش بهره‌وری، کیفیت و اثربخشی نظام آموزش عالی، پرورش روحیه کارآفرینی دانشجویان در هر دانشگاهی است. از مهم‌ترین متغیرهای تأثیرگذار در این مؤلفه، تفکر و تمایلات انتقادی و سبک‌های تفکر می‌باشد. این مطالعه از نوع تحقیق توصیفی-همبستگی، و با هدف بررسی و واکاوی رابطه بین تمایلات انتقادی در پرورش روحیه کارآفرینی دانشجویان انجام شد. جامعه‌ی آماری پژوهش شامل دانشجویان دانشگاه کردستان بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای ۲۲۴ نفر از آنان به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه تمایلات انتقادی کالیفرنیا (CCTDI) و پرسشنامه روحیه کارآفرینی بهره گرفته شد. نتایج این مطالعه نشان داد که میانگین مؤلفه‌های کارآفرینی در میان دانشجویان دانشگاه کردستان بالاتر از حد متوسط است و همچنین بین تمایلات انتقادی و روحیه کارآفرینی همبستگی بالایی (۰/۸۵) وجود دارد. نتایج این مطالعه مؤید آن است که کسانی که دارای تمایلات انتقادی سطح بالایی هستند و حقیقت‌جویی، آزاداندیشی (روشنفکری)، تحلیل‌گری، نظام‌یافتگی فکری (نظام‌مندی)، اعتمادبه‌نفس، کنجکاوی و بلوغ شناختی در آن‌ها در سطح بالایی قرار دارد، از روحیه کارآفرینی بالاتری نیز برخوردار بوده و بیشتر به کارهای جدید، بکر، خلق و توسعه ایده‌های نوینی که زمینه‌های رشد و بالندگی است، دست می‌زنند.

کلیدواژه‌ها: تمایلات انتقادی، پرورش روحیه کارآفرینی، آموزش عالی، عوامل روان‌شناختی

■ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۷/۳۰

■ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۸/۱۲

۱. دانشجوی دکتری، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، استان کردستان، ایران

*نویسنده مسئول Email: salman.d66@gmail.com

۲. استاد، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، استان کردستان، ایران

۳. دانشیار، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، استان کردستان، ایران

مقدمه

در عصری زندگی می‌کنیم که تغییرات در ابعاد گوناگون و با سرعتی فزاینده صورت می‌گیرد و حتی خود بشر را که موجد آن است، شگفت‌زده کرده است. انفجار اطلاعات، عصر فناوری اطلاعات، انقلاب کارآفرینی و جنگ رسانه‌ها تعابیری هستند که برای توصیف قرن حاضر به کار می‌روند. روند تاریخی توسعه اقتصادی و صنعتی کشورهای پیشرفته نشان می‌دهد که کارآفرینی پیوند عمیقی بین علم و فناوری با بازار کار، یکی از عوامل ترقی، شکوفایی و توسعه اقتصادی و فرهنگی آن‌ها بوده است. بدیهی است که این تحولات و تغییرات مدیون تفکر انتقادی و آفریننده‌ی بشر است. تمام دستاوردهای بشر از ابتدایی‌ترین تا پیچیده‌ترین آن‌ها حاصل ذهن‌گویا و کنشگر است. بر همین اساس می‌توان بیان کرد که فشارهای روزافزون بر دوش دولت و کاهش بودجه دولتی در سال‌های اخیر، افزایش تعداد دانش‌آموختگان، بی‌کاری فزاینده و بحران اشتغال جوانان به‌ویژه تحصیل‌کردگان، تغییر در انتظارات متقاضیان دانشگاه‌ها، رقابت، نیازهای متغیر بازار، مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی در مقابل افراد جامعه، انقلاب کیفیت و بهره‌وری، تجاری‌سازی دانش، حرکت به سمت آموزش‌های نو و پژوهش‌های کاربردی موجب تحول در رسالت، نقش و کارکردهای دانشگاه‌ها شده است، بر همین اساس تغییر و تحول در شرایط و نیازهای جامعه موجب تغییر و تحول در رسالت‌های دانشگاه‌ها شده است. بدین‌صورت که رسالت اولیه‌ی آن‌ها که بر اساس سنت‌های - آکسبریج (آموزشی) و هامبولتی (پژوهشی) بوده است به سمت دانشگاه‌ها و مؤسسات نسل سوم (کارآفرینی) است، سوق پیدا کرده است (Frastokhoa, 2009). ضرورت کارآفرینی دانشگاهی و ایجاد مؤلفه‌های کارآفرینی در بافت محیط دانشگاهی به‌عنوان یکی از ابزارهای حیاتی راهبردی و کلیدی آموزش عالی برای مواجهه با این تغییرها و فشارها را کاملاً روشن و بدیهی کرده است (Sharifzadeh, 2006).

در کشور ما واژه‌ی کارآفرینی بیشتر به معنای ایجاد کار و یا اشتغال‌زایی در نظر گرفته می‌شود. درحالی‌که کارآفرینی دارای مفهومی وسیع‌تر و بارزتر از اشتغال‌زایی است. کارآفرینی دارای پیامدهای مثبت و مهم دیگری همچون بارور شدن خلاقیت‌ها، ترغیب به نوآوری و توسعه‌ی آن، افزایش اعتمادبه‌نفس ایجاد و توسعه‌ی فن‌آوری، تولید ثروت در جامعه و افزایش رفاه عمومی است. در صورتی‌که فقط به جنبه‌ی اشتغال‌زایی آن توجه شود، از سایر پیامدهای آن بی‌بهره خواهیم ماند (Razzaqi, 2008). کارآفرینی در یک تعامل چندسویه، یعنی هم در مفهوم ایجاد اشتغال، ایجاد تحول از راه نوآوری‌ها و هم بهبود فرایندها به‌عنوان عامل کلیدی در رشد و توسعه اقتصادی، به شدت مورد نیاز است (Antoncic, 2003). نظام آموزش عالی کشور به‌عنوان یکی از دو قطب تعلیم و تربیت، مسئولیت تربیت نیروی انسانی متخصص و کارآمد مورد نیاز

جامعه را در سطوح و رشته‌های مختلف به عهده دارد. جذب فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور منوط به داشتن توانایی‌ها و ویژگی‌هایی است که بخشی از آن می‌بایست در طول دوران تحصیلی در دانشگاه‌ها ایجاد گردد. عواملی همچون عدم تناسب بین ظرفیت فعلی پذیرش در دانشگاه و نیازهای آتی بازار کار، عدم تناسب بین محتوای آموزشی با مهارت‌های شغلی، عدم توفیق دانشگاه‌ها در ایجاد و تقویت روحیه علمی و انگیزه‌ی خدمات‌رسانی به جامعه در دانشجویان، حداقل قابلیت‌های علمی و عملی برای فارغ‌التحصیل شدن، فقدان زمینه‌های مناسب برای آموزش علمی-کاربردی، ناکارآمدی اعضای هیئت علمی در تربیت نیروی کار متخصص مورد نیاز جامعه و مطرح نبودن مسائل علمی و پژوهشی به‌عنوان اولویت علمی در دانشگاه‌ها، کاهش انگیزه و خودباوری در میان دانشجویان، عدم جرات و ریسک‌پذیری از عوامی است که باید در این راه چاره‌اندیشی شود (Asadi & Ghasemi, 2010).

دانشگاه کارآفرین دانشگاهی است که از نزدیک آنچه که در محیط در حال روی دادن است را رصد می‌کند و به سرعت به تغییرات و سیگنال‌های آن محیط پاسخ می‌دهد. این دانشگاه افرادی را تربیت می‌کند که قادر هستند با عدم قطعیت، ابهام و پیچیدگی روزافزون در سطوح جهانی و شخصی انطباق پیدا کنند و قادرند دانشی را تولید کنند که دارای کاربرد عملی بوده و به حل مشکلات خاص در محیط کمک می‌کند. همچنین به دلیل ارتباط این دانشگاه با ذینفعان و اهتمام بر توسعه محیط‌زیست، ویژگی کارآفرینی آن کمک می‌کند یک تصویر خوب از دانشگاه ایجاد شود. این امر نقش بسیار مهمی را در توسعه دانشگاه ایفا می‌نماید. نقطه تلاقی کارآفرینی و مسئولیت اجتماعی، آن ارزش‌های اجتماعی است که کارآفرینان ایجاد می‌کنند و شامل مواردی از قبیل: بهبود کیفیت زندگی انسان، کاهش اثرات نامطلوب بر ذینفعان، ایجاد تعادل بین تولید ثروت مالی، اجتماعی و زیست‌محیطی و توسعه پایدار جامعه می‌باشد (Write, 2016). بی‌تردید چنین تصویر جذابی و خوبی از دانشگاه به آن در جذب هرچه بیشتر دانشجویان مستعد و تعداد بیشتری از پروژه‌های تحقیقاتی کمک می‌کند و به تبع آن درآمد بیشتری را برای دانشگاه به ارمغان می‌آورد. بدیهی است که این امر در راستای تنوع‌بخشی به منابع درآمدی دانشگاه‌ها خواهد بود و لذا تحقق چنین منابعی برای انجام مسئولیت‌های حرفه‌ای دانشگاه و همین‌طور توسعه آینده آن بسیار ضروری است. از این مجرا دانشگاه‌های هزاره سوم، نه‌تنها سربار دولت‌ها برای تأمین هزینه‌های خود نیستند بلکه به‌عنوان یک مغز متفکر و بازوی توانمند، در کنار دولت‌ها سعی در تأمین بخشی از سرمایه جوامع دارند. در هر دوره‌ای از تاریخ، گونه‌ای از دانشگاه تجلی کرده و آرام آرام جای خود را در یک جابه‌جایی پارادایمی به دانشگاهی دیگر می‌دهد (Hejazi, 2012). در دانشگاه نسل سوم که نقش برجسته‌های آن هنوز در حال توسعه هستند،

مأموریت سومی برای دانشگاه در فراتر از آموزش و پژوهش تعریف گردید که همانا انتقال توانمندی‌ها به جامعه است. بر اساس این تعریف، دانشگاه مجبور است که با دانشی که زایش می‌کند، برای جامعه نیز خلق ارزش کند. از این رو، دانشگاه نسل سوم، یک دانشگاه کارآفرین است. دانشگاه کمبریج مدل دانشگاه نسل سوم است (Ariana & Danesh Fard, 2020). از این رو هدف از ایجاد دانشگاه کارآفرینی، تولید دستاوردهایی است که امکان دستیابی به یک دانشگاه پایدار، یک شریک مطلوب برای تجارت و جلب پشتیبانی تام و کمال دولت را فراهم می‌کند. اما نکته قابل توجه در تبدیل دانشگاه‌های سنتی به کارآفرین این است که هر دانشگاه بسته به موقعیت جاری و شرایطی که در آن قرار دارد، می‌بایست منابع و امکانات محیط دانشگاهی خود را به روش خاص خود بکار بگیرد.

مروری بر مبانی نظری و پیشینه تحقیق

کارآفرینی ترجمه واژه Entrepreneur است که از لفظ فرانسوی Entrepreneur به معنای عهده‌دار شدن کار گرفته شده است. در واقع کارآفرینی واژه‌ای است نو و جدید که از لفظ آن نمی‌توان به مفهوم آن پی برد. به طوری که همانند بسیاری از مفاهیم و سازه‌ها در رابطه کارآفرینی تعریف واحدی وجود ندارد که مورد توافق صاحب‌نظران در همه‌ی رشته‌ها باشد و در تعریف آن هر محقق، با توجه به زمینه‌ی تحقیقی خود به این موضوع پرداخته است. اقتصاددانان بیشتر نقش‌های کاربردی کارآفرینی را مورد توجه قرار داده‌اند و جامعه‌شناسان و روانشناسان ابعاد فرهنگی، اجتماعی و ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینان را بررسی نموده‌اند. لذا تعاریف متعددی برای کارآفرینی ارائه شده است. در یک تعریف کارآفرینی عبارت است از، ایجاد یک فعالیت نوآورانه برای شناخت و بهره‌گیری از فرصت‌ها (Morris, 2009). در تعریف دیگری، کارآفرین شخصی است که کار جدیدی را راه‌اندازی می‌کند و فعالانه آن را مدیریت کرده و پنجاه درصد از سهام شرکت را دارا می‌باشد (Heilman, 2003). کارآفرینی فرایندی از خلق اندیشه‌های تازه، همراه با بینش و بصیرت و با ارزش، بهره‌گیری از امکانات و فرصت‌های موجود با تکیه بر دانش، پیشه و کار مربوط به آن و پذیرش خطر است (Ariana & Danesh Fard, 2020). در واقع کارآفرین کسی است که دارای قدرت درک بالا و توانایی یافتن فرصت‌هاست. و می‌تواند از طریق پرورش اندیشه و ایده‌ی خود و تبدیل آن به محصول یا خدمتی جدید، اقدام به ارزش‌آفرینی از هیچ نماید (Samadi & Shirzadi, 2007).



نمودار ۱: رهیافت‌های تلفیقی در توضیح کارآفرینی (فراست خواه، ۱۳۸۸)

از مباحث مهم در کارآفرینی، ایجاد و پرورش روحیه کارآفرینی است. بررسی ویژگی‌های افراد کارآفرین نشان می‌دهد که این افراد دارای ویژگی‌های خاصی هستند که شناسایی و تقویت این ویژگی‌ها زمینه‌ی لازم در تقویت و توسعه‌ی کارآفرینی بین سایر افراد جامعه خواهد بود (Movahedi et al, 2010). برخی از این ویژگی‌ها عبارت‌اند از: ریسک‌پذیری، هدف‌گرا بودن (Shahrakni, 2005)، فرصت‌گرا بودن، از خود گذشتگی، میل به پیشرفت و توفیق‌طلبی، رقابت‌مندی، قدرت تحمل (Sharifzadeh et al, 2006)، خوش‌بینی، آینده‌نگر بودن، کنترل محیط بیرون، انگیزش، مصمم بودن، داشتن اعتماد به نفس، نتیجه‌گرا بودن، خلاقیت و نوآوری، قدرت‌طلبی و استقلال‌طلبی. در واقع، سازمان‌ها می‌توانند با برنامه‌های آموزشی، این گونه خصلت‌های کارآفرینانه را در افراد پرورش داده و به سمت سازمان کارآفرین حرکت کنند. درباره پرورش روحیه کارآفرینی می‌توان به سه رویکرد متفاوت در این زمینه اشاره کرد: ۱) رویکرد شخصیتی^۱ ۲) رویکرد دموگرافیک^۲ ۳) رویکرد نگرشی^۳. که در این پژوهش توجه اصلی به رویکرد پداگوژی و روان‌شناختی است. برای تشریح این رویکرد از مدل جامع کارآفرینی که توسط موسسه‌ی توسعه‌ی کارآفرینی هند ارائه شده است، استفاده شده است. بر اساس این مدل، کارآفرینان دارای پنج ویژگی به شرح زیر می‌باشند:

1. Personality approach
2. Demographic approach
3. Attitudinal approach.

انگیزه پیشرفت (توفیق‌طلبی): عبارت است از تمایل به انجام کار بر اساس استانداردهای عالی برای کسب موفقیت در موقعیت‌های مختلف (Dearkins, & Freel, 2002). خلاقیت: توانایی خلق ایده‌های جدیدی است که ممکن است به محصولات یا خدمات جدید منجر شود (Hisrich, 2002). ریسک‌پذیری: عبارت است از پذیرش مخاطره‌های معتدل که می‌تواند با تلاش‌های شخصی مهار شوند. به عبارت دیگر، پذیرش کارهایی که امکان شکست در آن‌ها وجود دارد. استقلال‌طلبی: به این نکته اشاره دارد که کارآفرینان علاقه دارند کارها را مطابق تصمیم خود و به شیوه‌ی خودشان انجام دهند و رئیس خودشان باشند (Edward, 2003).

کنترل درونی: عبارت است از اینکه کارآفرینان عقیده دارند رویدادهای زندگی نتیجه‌ی برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات خودشان است و آن را به اقبال، سرنوشت و امثال این‌ها نسبت نمی‌دهند (Gurel et al, 2010). از جمله عوامل تأثیرگذار در افزایش روحیه‌ی کارآفرینی عبارت‌اند از: عوامل روان‌شناختی، عوامل دانشگاهی، عوامل آموزشی و ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای (Nyello et al, 2015). علت توجه نظام آموزش عالی به کارآفرینی، نیاز امروز جوامع برای سازگار شدن با تغییرات تکنولوژی و نقش ضروری آن در شکل‌گیری نگرش‌ها، مهارت‌ها و فرهنگ‌هاست (Badzban, 2020). در این پژوهش قصد بر این است که به تأثیر یکی از ویژگی‌های فردی مؤثر بر روحیه کارآفرینی، یعنی تمایلات انتقادی پرداخته شود. یکی از ویژگی‌های منحصربه‌فرد انسان در میان تمامی موجودات زمین برخورداری از نیروی تفکر و مسئولیت ناشی از آن است، زیرا با وجود تفکر و برخورداری از نیروی اراده و تصمیم‌گیری، مسئولیت انتخاب و عمل بر عهده‌ی انسان گذاشته شده است و هر میزان که بتوان از قدرت تفکر استفاده کرد، به همان نسبت پیشرفت، بهبود و رضایت در وضعیت زندگی انسان شکل می‌گیرد. تفکر در معنای وسیع کلمه به معنای شعور و آگاهی است. شعوری که معطوف به دستیابی معرفت موجود، ارزشیابی آن و نیز معطوف به تولید معرفت جدید فرایند تفکر است. از این رو نقش تفکر یکی از بحث‌های بنیادی تأثیرگذار در روند توسعه‌ی واقعی و همه‌جانبه است (Shariatmadari, 2001). تفکر بر حسب ویژگی‌هایی که از آن برخوردار است به انواع مختلف تقسیم شده است، که یک نوع از آن تفکر انتقادی می‌باشد. تفکر انتقادی یکی از گسترده‌ترین مفاهیمی است که در حوزه‌ی تعلیم و تربیت مطرح است و در تاریخ فلسفه‌ی غرب از جایگاه خاصی برخوردار بوده است (Nasrabadi et al, 2005). تفکر انتقادی یک فرآیند قضاوت خودتنظیم و هدفمند می‌باشد که در نتیجه تفسیر، تحلیل، ارزشیابی و استنباط شکل می‌گیرد. همچنین تفکر انتقادی توضیح ملاحظات بدیهی، مفهومی و متدولوژیکی، معیاری و زمینه‌ای قضاوت است (Simpson, 2002).

از این رو لازم است تعلیم و تربیت در دوره معاصر پیش از گذشته، کانون توجه خود را به جای محتوا، بر فرایند و مهارت‌های تفکر انتقادی معطوف کند (Mukherjee Page & 2007، Sezer و 2008). برخی از صاحب‌نظران مهم‌ترین دلایل برخورداری دانشجویان از تفکر انتقادی را، موارد زیر دانسته‌اند:

مجهز ساختن دانشجویان به مهارت‌های تفکر انتقادی باعث می‌شود که آن‌ها به این موضوع آگاه شوند که اکتشاف و پیشرفت علمی، به تنهایی نمی‌تواند جامعه را هدایت کند، بلکه این جامعه و افراد آن هستند که باید اکتشاف و پیشرفت‌های علمی را به بهترین وجه کنترل و هدایت کنند (Jafarabadi & Abdoli, 2010). در آموزش تفکر انتقادی به تغییر دادن افکار پرداخته می‌شود. در واقع فرد افکار را همان‌طور که هست پذیرفته و تجربه می‌کند و با مراقبه مبتنی بر ذهن آگاهی با افکار و احساساتش رابطه‌ای متفاوت برقرار می‌کند (Amirkhani, 2016). تفکر انتقادی دانشجویان را قادر می‌سازد تا به‌طور مؤثری، اطلاعاتی را که کسب می‌کنند، ارزیابی و سازمان‌دهی کنند و آن را در تصرف خود درآورند (Jawarneh, 2008). تفکر انتقادی را هنر تجزیه و تحلیل و ارزیابی تفکر همراه با بررسی برای اصلاح آن تعریف می‌کند. تفکر انتقادی باعث توسعه پژوهش، حل مسئله، تصمیم‌گیری، بهره‌بردن از دیدگاه‌های مختلف و یادگیری مادام‌العمر در دانشجویان می‌گردد. مجموع این قابلیت‌ها باعث می‌شود تا دانشجویان قادر به حل مشکلات ملی، علمی و عملی باشند (Zeki, 2015). فکر انتقادی باعث می‌شود که شخص افکار خود و دیگران را بررسی کرده و مورد تجزیه و تحلیل قرار داده تا به وسیله ارزیابی و تفسیر آن را بهتر بفهمد (Kovic, 2016). تفکر انتقادی باعث تخصص در رشته خود و همچنین آگاه به مسائل اجتماعی، سیاسی و چالش‌های محیطی و جهانی، و انتخاب بهترین تصمیمات می‌گردد (Weeks & Weinberger, 2008). تفکر انتقادی باعث می‌شود دانشجویان به این نکته پی ببرند که چگونه هنجارهای مختلف بر افکار آن‌ها تأثیر می‌گذارد، و اینکه چگونه ایده‌هایشان را کاملاً بر اساس بررسی‌ها و استدلال‌هایشان مورد بررسی و استفاده و کاربرد قرار دهند (GuoL & Kristian, 2006).

یک متفکر نقاد ایده‌آل دارای مجموعه‌ای از مهارت‌ها و مجموعه‌ای ویژگی‌های منحصر به فرد است از جمله کنجکاوی، دارای اطلاعات قوی، مطمئن در استدلال، دارای ذهنی باز و انعطاف‌پذیر، بی‌طرف در ارزیابی، صادق در رویارویی با طرفداری‌های شخصی، محتاط در قضاوت، خواهان بازبینی، واقف به موضوعات، منظم در امور پیچیده، سخت‌کوش در جست‌وجوی اطلاعات مرتبط و دارای پشتکار در جست‌وجوی نتایج است. فاسیون زیر مقیاس‌هایی را برای تمایلات انتقادی در نظر می‌گیرد که شامل موارد ذیل می‌باشد:

حقیقت‌جویی: به جست‌وجوی حقیقت و حریص بودن به یافتن حقیقت، شجاعت در پرسیدن سؤال، صداقت داشتن و هدفمندی در تعقیب نیازها اشاره دارد. آزاداندیشی یا روشنفکری: به باز بودن ذهن و تحمل دیدگاه‌های مختلف باز می‌گردد. تحلیل‌گری: به آگاه بودن از موقعیت‌های بالقوه‌ی مشکل‌ساز، پیش‌بینی نتایج احتمالی یا عواقب آن و ارزش قائل بودن برای یافتن دلیل قانع‌کننده اشاره داد. نظام‌مندی: به میزان حرکت فرد در جهت سازمان‌دهی، نظم، تمرکز و پشتکار اشاره دارد. اعتماد‌به‌نفس: به میزان اعتماد به یک جایگاه در فرآیند دلیل‌آوری یک فرد باز می‌گردد. کنجکاوی: میزان کنجکاوی ذهنی افراد را می‌سنجد.

بلوغ شناختی: بدین معناست که یک فرد چقدر در جهت اعمال قضاوت‌های فکری استعداد دارد. پژوهش‌های متعددی در زمینه متغیرهای پژوهش انجام شده است اما پژوهشی که دربرگیرنده هر دو متغیر تحت مطالعه باشد یافت نشد. در تحقیقی که توسط Malekpour & Delavar (2015)، تحت عنوان نقش آموزش دانشگاهی بر ایجاد روحیه کارآفرینی و راهکارهای ارتقای آن انجام شد، به این نتیجه دست یافتند که ۵ مقوله تحول در نقش دانشگاه‌ها (بسترسازی، شبکه‌سازی، ارتقای فعالیت‌های دانشگاهی و تغییرات مدیریتی) بر کارآفرینی دانشجویان تأثیرگذار است. در تحقیق دیگری که توسط Otadi & Safari, (2017)، با عنوان بررسی تأثیر ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری در تبیین قصد کارآفرینانه دانشجویان به انجام رسید مشخص گردید که گرایش به ریسک‌پذیری و کانون کنترل به صورت مستقیم اثر مثبت و معناداری بر قصد کارآفرینانه داشتند ولی شخصیت پیش‌فعال اثر مستقیم معناداری بر قصد کارآفرینانه نداشت. (Zahedi et al, 2018) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که ویژگی‌های توفیق‌طلبی و ریسک‌پذیری در بین دانشجویان علم و صنعت امتیاز بیشتر و خصیصه‌های عزم و اراده، خلاقیت و استقلال‌طلبی در رده‌های بعدی قرار دارند. (Jain et al, 2015) در پژوهش "نگرش کارآفرینی و کارآفرین شدن: مفهوم‌سازی، توسعه و آزمون اندازه‌گیری و متناسب بودن مدل" نشان دادند که شش بعد نگرش، یعنی گرایش به موفقیت، گرایش به ریسک‌پذیری، مکان درونی کنترل، نوآوری، فعال بودن و جهت‌گیری بازار، تأثیر مثبتی بر عملکرد کارآفرینان دارد. در پژوهشی که (Guo, 2006) در مورد مدیریت کارآفرینی در سازمان‌های بهداشتی انجام دادند، نتایج نشان داد که دانشجویان مرد در ویژگی‌های انعطاف‌پذیری و ریسک‌پذیری، نمره‌های بالاتری کسب کردند، در حالی که دانشجویان زن در ویژگی‌های درونی و استقلال‌نمره‌ی بالاتری داشتند. در پژوهش دیگری (Weinberger & Weeks, 2004)، انجام شد به بررسی روحیه کارآفرینی

دانشجویان پزشکی کارآفرین پرداختند، و نتایج نشان داد که بین ریسک‌پذیری و نیاز به موفقیت دانشجویان کارآفرین و دانشجویان غیر کارآفرین، تفاوت وجود دارد.

هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه بین تمایلات انتقادی و روحیه کارآفرینی دانشجویان می‌باشد. در واقع این پژوهش می‌خواهد پی‌برد که آیا تمایلات انتقادی افراد می‌تواند پیش‌بینی‌کننده‌ی تضمین‌کننده کیفیت کارآفرینی دانشجویان باشد یا خیر؟ از همین روی سؤالات پژوهش حاضر به شرح زیر می‌باشند:

۱. بر اساس مؤلفه‌های کارآفرینی (انگیزه پیشرفت یا توفیق‌طلبی - خلاقیت - ریسک‌پذیری - استقلال‌طلبی - کنترل درونی) ویژگی‌های کارآفرینی دانشجویان چگونه است؟

۲. آیا بین میزان تحقق مؤلفه‌های تمایلات انتقادی (حقیقت‌جویی، آزاداندیشی یا روشنفکری، تحلیل‌گری، نظام‌مندی، اعتمادبه‌نفس، کنجکاوی، بلوغ شناختی) و پرورش روحیه کارآفرینی (انگیزه پیشرفت یا توفیق‌طلبی - خلاقیت - ریسک‌پذیری - استقلال‌طلبی - کنترل درونی)، رابطه وجود دارد؟

۳. آیا بین نظرات دانشجویان در خصوص تمایلات انتقادی و پرورش روحیه کارآفرینی در دانشگاه کردستان بر اساس خصوصیات جمعیت شناختی آنان تفاوتی وجود دارد؟

روش‌شناسی

پژوهش حاضر از حیث هدف کاربردی و از نظر شیوه‌ی جمع‌آوری داده‌ها از نوع توصیفی - همبستگی می‌باشد. جامعه‌ی آماری پژوهش شامل دانشجویان دانشگاه کردستان بوده که از این تعداد، ۲۲۴ نفر با استفاده از جدول مورگان و به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای، انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌های مربوط به هر دو متغیر از پرسشنامه استفاده شد. برای متغیر تمایلات انتقادی از پرسشنامه‌ی کالیفرنیا (CCTDI) استفاده شد. پرسشنامه کالیفرنیا شامل ۷۵ سؤال می‌باشد که به روش لیکرت از کاملاً موافقم (نمره‌ی ۶) تا کاملاً مخالفم (نمره‌ی ۱) تنظیم شده است. این پرسشنامه مؤلفه‌های حقیقت‌جویی، آزاداندیشی (روشنفکری)، تحلیل‌گری، نظام‌یافتگی فکری (نظام‌مندی)، اعتمادبه‌نفس، کنجکاوی و بلوغ شناختی را می‌سنجد. ضریب اعتبار پرسشنامه با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ ۰/۷۸ برآورد گردید. همچنین برای مطالعه و ارزیابی متغیر روحیه کارآفرینی دانشجویان از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد که براساس ادبیات موجود ساخته شده و روایی آن توسط اساتید متخصص تأیید گردید. این پرسشنامه دارای ۵ مؤلفه و ۳۰ سؤال می‌باشد که به روش لیکرت از کاملاً موافقم (نمره‌ی ۶) تا کاملاً مخالفم (نمره‌ی ۱) تنظیم شده است. برای برآورد پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که ۰/۸۹ برآورد گردید. برای سنجش رابطه بین داده‌های پژوهش از آزمون همبستگی پیرسون، آزمون رگرسیون خطی چندگانه، آزمون T مستقل و آنالیز واریانس یک‌راهه و برای مدل معادلات ساختاری (تحلیل مسیر) از AMOS استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

سؤال اول پژوهش: بر اساس مؤلفه‌های کارآفرینی (انگیزه پیشرفت یا توفیق‌طلبی - خلاقیت - ریسک - پذیری - استقلال‌طلبی - کنترل درونی) ویژگی‌های کارآفرینی دانشجویان چگونه است؟ یافته‌های مربوط به سؤال اول پژوهش در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول (۲) مقایسه میانگین مؤلفه‌های پنجگانه کارآفرینی

متغیر	درجه آزادی	میانگین	t	سطح معنی‌داری
انگیزه پیشرفت	۲۱۹	۳.۱	۸۵.۷۵	/۰۰۰
خلاقیت	۲۱۴	۳.۴	۹۴.۷۵	/۰۰۰
ریسک‌پذیری	۲۱۴	۳.۲	۷۴.۸۷	/۰۰۰
استقلال‌طلبی	۲۱۹	۳.۸	۶۶.۵۸	/۰۰۰
کنترل درونی	۲۲۱	۳.۳	۷۵.۷۹	/۰۰۰

چنانچه در جدول ۲ نشان داده شده است میانگین مؤلفه‌های کارآفرینی در دانشگاه کردستان بالاتر از حد متوسط است. بالاترین میانگین مربوط به مؤلفه استقلال‌طلبی با میانگین ۳.۸ و کمترین میانگین مربوط به مؤلفه انگیزه پیشرفت با میانگین ۳.۱ است. این امر نشان دهنده این است که دانشجویان دانشگاه کردستان، از قابلیت کارآفرینی نسبتاً بالایی برخوردار است.

سؤال دوم پژوهش: آیا بین میزان تحقق مؤلفه‌های تمایلات انتقادی (حقیقت‌جویی، آزاداندیشی یا روشنفکری، تحلیل‌گری، نظام‌مندی، اعتمادبه‌نفس، کنجکاوی، بلوغ شناختی) و پرورش روحیه کارآفرینی (انگیزه پیشرفت یا توفیق‌طلبی - خلاقیت - ریسک‌پذیری - استقلال‌طلبی - کنترل درونی)، رابطه وجود دارد؟

جدول ۳: نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین مؤلفه‌های روحیه کارآفرینی و متغیر تمایلات انتقادی دانشجویان

روحه کارآفرینی	انگیزه پیشرفت	خلاقیت	کنترل درونی	ریسک‌پذیری	استقلال - طلبی
۰/۸۵	۰/۴۱	۰/۳۲	۰/۲۸	۰/۳۸	۰/۴۳
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

جدول ۳، ماتریس همبستگی بین تمایلات انتقادی با روحیه کارآفرینی را نشان می‌دهد. در ستون اول ضریب همبستگی بین تمایلات انتقادی و روحیه کارآفرینی ۰/۸۵ می‌باشد. این ضریب همبستگی که در ۲۲۴

واکاوی تمایلات انتقادی در ارزیابی تضمین کیفیت کارآفرینی دانشجویان

۲۷ - ۴۷

سلمان دارابی ❖ نعمت‌الله عزیزی ❖ جمال سلیمی

نفر از دانشجویان محاسبه شده مقدار P برابر با ۰/۰۰۰ ارائه نموده است. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که بین تمایلات انتقادی و روحیه کارآفرینی دانشجویان رابطه‌ای مستقیم وجود دارد به طوری که سطوح بالای تمایلات انتقادی با سطوح بالای روحیه کارآفرینی دانشجویان همراه است. در ستون‌های بعدی بین همه مؤلفه‌های کارآفرینی و تمایلات انتقادی همبستگی مثبت و معنی‌داری وجود دارد. که بیشترین ارتباط بین استقلال‌طلبی و تمایلات و کمترین ارتباط بین کنترل درونی با تمایلات انتقادی بود.

جدول ۴: نتایج آزمون تحلیل واریانس در خروجی رگرسیون برای پیش‌بینی مقادیر عددی سطوح مؤلفه‌های روحیه کارآفرینی دانشجویان بر اساس متغیر پیش‌بین

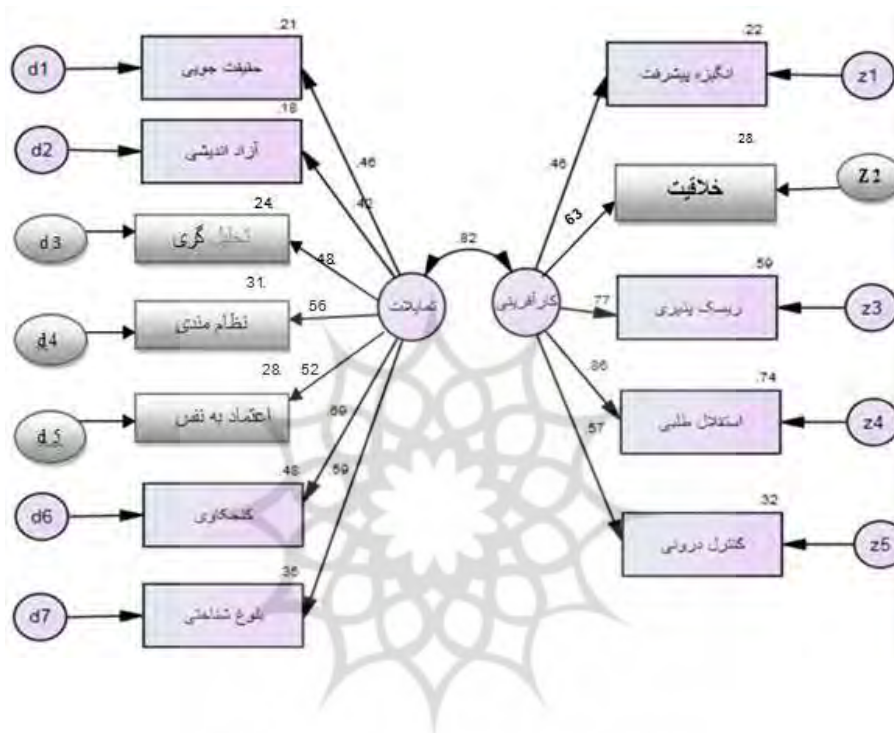
مدل	R	مجذور R	خطای پیش‌بین	استاندارد درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	Sig
۱	۰/۵۴	۰/۲۹	۱۶/۲۵	۵	۴۰۶۴/۲	۱۵/۳۹	۰/۰۰۰

بر اساس نتایج تحلیل فوق‌الذکر، ضریب تشخیص در این مطالعه بیانگر آن است که ۵۴٪ تغییرات روحیه کارآفرینی با تغییرات تمایلات انتقادی قابل توجیه است. همچنین مقدار P کمتر از ۰/۰۵ در آنالیز واریانس، بیانگر آن است که متغیر تمایلات انتقادی در تعیین مقادیر مختلف متغیر روحیه کارآفرینی دانشجویان دخالت دارد. بنابراین یک رابطه خطی معنی‌دار بین تمایلات انتقادی و روحیه کارآفرینی دانشجویان وجود دارد.

جدول ۵: ضرایب مؤلفه‌های روحیه کارآفرینی در خروجی رگرسیون

سطح معنی‌داری	t	ضرایب غیر استاندارد		B	ریسک پذیری
		ضرایب استاندارد	انحراف معیار		
۰/۶۶	۰/۴۳۸	۰/۰۳۸	۰/۳۳۱	۰/۱۴۵	ریسک‌پذیری
۰/۰۹	۱/۶۷	۰/۱۲۲	۰/۳۴۲	۰/۵۷۴	خلاقیت
۰/۰۳	۰/۹۹	-۰/۰۷۱	۰/۲۷	-۰/۲۷۴	کنترل درونی
۰/۰۰	۲/۹۸	۰/۲۲۳	۰/۳۱۸	۰/۹۲۳	انگیزه پیشرفت
۰/۰۰۲	۳/۰۷	۰/۲۷۳	۰/۳۰۸	۰/۹۴	استقلال‌طلبی

بر اساس نتایج جدول ۵، با توجه به اینکه مقدار P ارائه شده برای مؤلفه‌های روحیه کارآفرینی به غیر از مؤلفه‌های ریسک‌پذیری و خلاقیت، کمتر از نقطه برش ۰/۰۵ می‌باشد، می‌توان گفت که متغیر تمایلات انتقادی نقش مؤثری را در پیش‌بینی مقادیر عددی روحیه کارآفرینی ایفا می‌کنند.



نمودار ۲: ضریب‌های مسیر (بارهای عاملی) استاندارد شده برای مدل مفهومی تحقیق

همان‌گونه که در نمودار ۲ دیده می‌شود، دو مؤلفه تمایلات انتقادی و روحیه کارآفرینی در کل با ۸۲ درصد یکدیگر را تبیین کرده و رابطه دارند. از سویی دیگر حیطه کنجکاوی ۴۸ درصد از واریانس تمایلات انتقادی را تبیین کرده و دارای بیشترین بار عاملی (۶۹) در بین سایر حیطه‌های این مؤلفه بوده است. از طرف دیگر حیطه استقلال‌طلبی ۷۴ درصد از واریانس مؤلفه روحیه کارآفرینی را تبیین کرده و دارای بیشترین بار عاملی (۸۶) در بین سایر حیطه‌های این مؤلفه بوده است.

واکاوی تمایلات انتقادی در ارزیابی تضمین کیفیت کارآفرینی دانشجویان

۲۷ - ۴۷

سلمان دارابی ❖ نعمت‌الله عزیزی ❖ جمال سلیمی

جدول ۷: شاخص‌های ارزیابی برازش مدل

آماره	مقدار	حد قابل قبول
Chi-square	۲۸۳۱۳	-
RMSEA	۰/۳۸۲	کمتر از ۱
P	۰/۰۸	بیشتر از ۰/۰۵
GFI	۱/۰۰	بیشتر از ۰/۹

جدول ۷، شاخص‌های ارزیابی برازش مدل تحقیق را نشان می‌دهد که حاکی از قابل قبول بودن کلی مدل مفهومی تحقیق می‌باشد.

سؤال سوم پژوهش: آیا بین نظرات دانشجویان در خصوص تمایلات انتقادی و پرورش روحیه کارآفرینی در دانشگاه کردستان بر اساس خصوصیات جمعیت شناختی تفاوتی وجود دارد؟
برای پاسخ به این سؤال یافته‌های تحقیق در این بخش به تفکیک جنسیت، رشته (دانشکده) و مقطع تحصیلی در جداول ۸، ۹ و ۱۰ ارائه شده است..

جدول ۸: مقایسه دیدگاه دانشجویان در مورد مؤلفه‌های کارآفرینی و تمایلات انتقادی بر حسب جنسیت

متغیر	میانگین	t	سطح معنی داری
تمایلات انتقادی	۵.۴۲	۱/۹۶	۰/۰۰۴
پرورش روحیه کارآفرینی	۱۱.۳۸	۲/۷۶	۰/۰۰۶

چنانچه در جدول ۸ نشان داده شده است مقدار تی مشاهده شده در سطح $p < 0/05$ تفاوت مثبت و معنی داری را بین میانگین مؤلفه‌های کارآفرینی و تمایلات انتقادی را بر اساس جنسیت نشان می‌دهد. به عبارتی بین اعضای مرد و زن در مورد مؤلفه‌ها در دانشگاه نگرش یکسانی وجود ندارد.
جدول ۹: مقایسه دیدگاه دانشجویان در مورد مؤلفه‌های پژوهش بر حسب دانشکده

منبع	متغیر	میانگین	F	سطح معنی داری
دانشکده	پرورش روحیه کارآفرینی	۳۱۶.۸۸	۰.۳۶۹	۰.۸۶۹
	تمایلات انتقادی	۱۵۲.۷۷	۰.۴۲۴	۰.۸۳۲

چنانچه در جدول ۹ نشان داده شده است F مشاهده شده در سطح $P < ۰/۰۵$ تفاوت مثبت و معنی داری را بین میانگین مؤلفه‌های کارآفرینی و تمایلات انتقادی، بر اساس دانشکده‌ها نشان نمی‌دهد.

جدول ۱۰: مقایسه دیدگاه دانشجویان در مورد مؤلفه‌های پژوهش بر حسب مقطع تحصیلی

منبع	متغیر	میانگین	F	سطح معنی داری
مقطع	پرورش روحیه کارآفرینی	۸۳۳.۹	۲.۲۰۳	.۱۱۳
تحصیلی	تمایلات انتقادی	۴۵۰.۶۸	۱.۲۷۱	.۲۸۳

همان گونه که در جدول ۱۰ نشان داده شده است F مشاهده شده در سطح $P < 0/05$ تفاوت مثبت و معنی داری را بین میانگین مؤلفه‌های کارآفرینی و تمایلات انتقادی آنان بر اساس مقاطع تحصیلی نشان نمی‌دهد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه بین تمایلات انتقادی و روحیه کارآفرینی در بین دانشجویان بود. در واقع مطالعه‌ی حاضر در پی آن بود تا دریابد که آیا تمایلات انتقادی افراد می‌تواند پیش‌بینی کننده روحیه کارآفرینی افراد باشد یا خیر. نتایج حاصله نشان داد که اولاً میانگین مؤلفه‌های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه کردستان بالاتر از حد متوسط است. در این میان بالاترین میانگین مربوط به مؤلفه استقلال‌طلبی و کمترین میانگین مربوط به مؤلفه انگیزه پیشرفت بود. این امر نشان دهنده این است که دانشجویان دانشگاه کردستان از قابلیت روحیه کارآفرینی بالایی برخوردار هستند. نتایج تحقیق حاضر با نتایج تحقیق (Badri, 2006) و (Rahimi & Aghababaei, 2013) و (Morris, 2009) همسویی و مطابقت دارد. شاید دلیل بالا بودن میانگین و بخصوص میانگین استقلال‌طلبی به دلیل شرایط سخت و امکانات محدود زندگی و حداکثر استفاده از منابع محدود و مستقل انجام دادن کارها توسط افراد باشد.

در خصوص وجود یا عدم وجود همبستگی میان تمایلات انتقادی و روحیه کارآفرینی در میان دانشجویان نتایج مطالعه حاضر نشان داد که میان این دو متغیر همبستگی مستقیم وجود دارد به طوری که سطوح بالای تمایلات انتقادی، با سطوح بالای روحیه کارآفرینی دانشجویان همراه است. این نتیجه در خصوص همه مؤلفه‌های کارآفرینی و تمایلات انتقادی صادق بوده و میان آن‌ها همبستگی مثبت و معنی داری وجود دارد. در این میان بیشترین ارتباط بین استقلال‌طلبی و تمایلات و کمترین ارتباط بین کنترل درونی با تمایلات انتقادی گزارش شده است. نتایج تحقیق حاضر با نتایج تحقیقات (Asadi & Ghasemi, Javad, 2017) ، (Sharifzadeh ، 2017) ، Weinberger, 2006 همخوانی و همسویی دارد. همچنین همان گونه که در

نمودار ۲ نشان داده شد، دو مؤلفه تمایلات انتقادی و روحیه کارآفرینی در کل با ۸۲ درصد یکدیگر را تبیین کرده و رابطه دارند. از سویی دیگر حیطه کنجکاوی ۴۸ درصد از واریانس تمایلات انتقادی را تبیین کرده و دارای بیشترین بار عاملی (۶۹) در بین سایر حیطه‌های این مؤلفه بوده است. از طرف دیگر حیطه استقلال‌طلبی ۷۴ درصد از واریانس مؤلفه روحیه کارآفرینی را تبیین کرده و دارای بیشترین بار عاملی (۸۶) در بین سایر حیطه‌های این مؤلفه بوده است. این امر حاکی از قابل قبول بودن کلی مدل مفهومی تحقیق می‌باشد. در واقع می‌توان گفت که متغیر تمایلات انتقادی نقش مؤثری را در پیش‌بینی مقادیر عددی مؤلفه‌های روحیه کارآفرینی ایفا می‌کند. پس می‌توان اذعان داشت که کسانی که دارای تمایلات انتقادی سطح بالایی هستند و حقیقت‌جویی، آزاداندیشی (روشنفکری)، تحلیل‌گری، نظام‌یافتگی فکری (نظام‌مندی)، اعتماد به نفس، کنجکاوی و بلوغ شناختی در آن‌ها در سطح بالایی قرار دارد، از روحیه کارآفرینی بالاتری نیز برخوردار بوده و بیشتر به کارهای جدید و بکر دست می‌زنند. مؤلفه‌های تمایلات انتقادی هریک می‌توانند پیش‌بینی‌کننده خصوصیت و مؤلفه‌ای از روحیه کارآفرینی باشند. این یافته حاوی پیام بسیار مهمی برای تمامی نهادهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و مخصوصاً آموزشی از مدرسه تا دانشگاه می‌باشد. در واقع این نتایج حاکی از آن است که پرورش روحیه نقادانه و تفکر انتقادی در دانش‌آموزان و دانشجویان و بستر فراهم کردن برای ویژگی‌هایی همچون آزاداندیشی، تحلیل‌گری، نظام‌یافتگی فکری، اعتماد به نفس، کنجکاوی و مواردی از این قبیل، باعث پرورش افراد کارآفرین، مخاطره‌پذیر، خلاق و در نتیجه جامعه‌ای پویا و توسعه یافته خواهد شد. در واقع مسیر توسعه را باید از دبستان و با پرورش افراد با چنین خصوصیتی شروع کرد.

نتایج مربوط به نقش ویژگی‌های جمعیت شناختی گروه نمونه نشان داد که با وجودی که تفاوت مثبت و معنی‌داری بین میانگین مؤلفه‌های کارآفرینی و تمایلات انتقادی بر اساس جنسیت آنان وجود داشت، اما در دیدگاه افراد در خصوص متغیرهای پژوهش بر حسب دانشکده محل تحصیل و مقطع تحصیلی آنان تفاوت معنی‌داری گزارش نشده است.

به هر حال دانشگاه می‌تواند از طریق شناسایی و به کارگیری عوامل محیطی، اقتصادی و فرهنگی و به کارگیری روش‌های آموزشی کارا و اثربخش، که ظهور کارآفرینی را آسان می‌سازد، زمینه مناسبی را فراهم آورد، چرا که کشوری که دارای تعداد زیادی کارآفرین باشد، از محرک‌های اقتصادی قوی‌تری برخوردار است. برای دستیابی به کارآفرینی باید جنبه‌های مختلف آن را سنجید. با توجه به نقش کارآفرینی در توسعه همه جانبه در کشورهای صنعتی و پیشرفته، کشورهای در حال توسعه نیز در پی ایجاد

موج گسترده و جدیدی از سازمان‌های کارآفرین هستند. برای رسیدن به این مهم بایستی نقش و اهمیت فرهنگ کارآفرینی و عوامل رشد و توسعه‌دهنده یا موانع آن در سازمان‌ها مشخص و معرفی شوند. امروزه با بن‌بست رسیدن بسیاری از روش‌های سنتی و عدم پاسخگویی مناسب آن در رویارویی با مشکلات و معضلات علت و معلولی در اقتصاد ملی و جهانی، ناچار به تعریف مفاهیم و چارچوب‌های جدیدی هستیم که در دنیای رقابتی و اقتصاد بدون مرز و آزاد بتواند جایگاه قابل قبول و رتبه مناسبی در بین اقتصادهای جهان برای کشور به ارمغان آورد و بسیاری از هزینه‌های گزاف بکاهد. این راه‌حل و راه کار چیزی نیست مگر به کارگیری تمام ظرفیت‌ها و قابلیت‌های موجود و طرح و اجرای روش‌های نوآورانه و خلاق مبتنی بر دانش در رشد تمامی استعدادهای بشری و بخصوص دانشجویان.

پیشنهادها

با توجه به یافته‌های پژوهش پیشنهادهای در جهت هر چه کارآمد کردن نظام‌های آموزشی ارائه می‌گردد:

۱. با توجه به ارتباط بعد صمیمیت با روحیه کارآفرینی می‌توان گفت، برقراری روابط سه‌جانبه و سازنده بین اساتید، دانشجویان و مسئولین اجرایی دانشگاه و شناخت تفاوت‌های فردی و احترام متقابل با یکدیگر زمینه‌ساز شکوفایی و رشد همه جانبه طرفین می‌گردد.
۲. با شرکت دادن دانشجویان در امور دانشکده و دانشگاه، می‌توان مسئولیت‌پذیری، اعتمادبه‌نفس و استقلال‌طلبی را در آن‌ها رشد و گسترش داد.
۳. فراهم آوردن اهداف چالش‌برانگیز در محیط دانشگاه برای دانشجو، مسئولیت‌پذیری، سعی و تلاش شخصی آن‌ها را برای رسیدن به اهداف افزایش می‌دهد. این کار انگیزه پیشرفت را در آن‌ها رشد می‌دهد و طبیعی است که امکان کنترل و جرات یافتن برای پذیرش خطر را نیز توسعه می‌دهد.
۴. ارتباط هر چه بیشتر بین دانشگاه و مراکز تحقیقاتی و صنعتی بیرون از دانشگاه می‌تواند توان و روحیه کارآفرینی و همچنین تمایلات انتقادی در میان دانشجویان را تقویت کند.
۵. کاربردی و عملی کردن دروس همراه با تئوری‌های نظری دروس، یعنی مکمل و ملزم همدیگر باشند.
۶. ارتباط بعد بازدارندگی با روحیه کارآفرینی توجه به این نکته را ضروری می‌سازد که مانع‌تراشی و سنگ‌اندازی بی‌مورد در مسیر دانشجویان باعث دلسرد شدن و بی‌انگیزگی آن‌ها می‌گردد.
۷. فراهم کردن محیطی باز طبق اصل تفاهم و درک متقابل، باعث کارآمدتر شدن برنامه‌ها، جلوگیری از صرف وقت، حداکثر استفاده از زمان، منابع مالی، انسانی و کالبدی را فراهم می‌سازد.

۸. بر اساس یافته‌های تحقیق هر چه جو نظام آموزش عالی به سمت رفتار حمایت‌کننده، علاقه‌مندی، انعطاف‌پذیری، تسهیل‌کننده و غیر تحدیدی حرکت کند باعث افزایش رضایت، خلاقیت و خود بارور شدن هر چه بیشتر اعضای درگیر در این فضا می‌گردد.

در پایان می‌توان گفت در شرایط امروزی که وظایف دانشگاه از تک‌بعدی و یا دویبعدی خارج شده دارای ابعاد گوناگونی از جمله آموزش، پژوهش، خدمات، تفکر انتقادی و در زمان کنونی کارآفرین بودن مراکز آموزش عالی و توانا بار آوردن دانشجویان در زمینه کارآفرینی می‌باشد.



References

- Abrami, C., Borokhovski, E., Wade, A., & Michael A. (2008). "Instructional Interventions Affecting Critical thinking skills and dispositions: a stage 1 meta-analysis". *Review of Educational Research*, 78(4), 1102.
- Antoncic, B., & Hisrich, R. (2003). "Clarifying the enter Premiership Concept". *Journal of Small Business and Enterprise Development*, 10 (1), 7-24 .
- Asadi, Ali, & Ghasemi, J (2010), "Factor analysis of factors affecting the entrepreneurial spirit of graduate students". *Journal of Agricultural Economics and Development*, 24, 1., 22-13.
- Athari, Z., Sadat, Sharif, M., Nematbakhsh, M., & Babam, M. (2009), "Evaluation of critical thinking skills and its relationship with the rank of the national entrance exam for students of Isfahan University of Medical Sciences". *Iranian Journal of Science Education, Spring*; (1): 5-12
- Azadeh A., & Danesh Fard. (2020). "Explaining the empowerment indicators of the Technical and Vocational University based on the characteristics of the Entrepreneurial University". *Karafen Scientific-Research Quarterly*, 17, 3, p. 41-59
- Badri, E. (2006), "Study of Entrepreneurship Ability of Isfahan University Students". *Journal of Research and Planning in Higher Education*, (2) 12, 73-90
- Badzban, F., Rezaei, Moghadam, K., & Fatemi, M (2020). Entrepreneurship education and its impact on the performance of rural women businesses. *Karafen Scientific-Research Quarterly*, 17, 3, 94-79
- Dearkins, D., & Freel, M. (2002). "Intrepreneurship and small firms". Th ird edition. London: Mc Graw-Hill;
- Edward, P. L. (2003). "Entrepreneurship Hoover Institution and Graduate School of Business". Stanford: Stanford University.
- Guo, L., & Kristian, R. (2006). "Entrepreneurship management in health service: an integrative model. *Journal of Health and Human Service Administration*, 28 (4), 504-530.
- Gurel, E., Alting, L., & Daniele, R. (2010). "Tourism Students entrepreneurial intentions". *Annals of Tourism Research*; 37(3), 646-69.
- Heilman, M., & Chen, J. (2003), "Entrepreneurship. As a solution: the Allure of Self-Employment for Women and Minonities". *Journal of Human Resourse management Review*, 13 (2), 347- 364.
- Hejazi, G., & Borjali, Lou, S. (2012), "Critical Thinking, Identity Styles and Identity Commitment in Adolescents". *Journal of Contemporary Psychology*, 4, 2
- Hisrich, R., Peters, M., & Shepherd, A. (2002), "Entrepreneurship". 6ThEd. Boston: Mc Graw-Hill;

Jafarabadi, T., & Abdoli, A. (2010), "The evolution of critical thinking in students of Ferdowsi University". *Educational and Psychological Studies*, 11 (2), 103-120

Jain, R., Wajid Ali, S., & Kamble, S. (2015). Entrepreneurial and Intrapreneurial Attitudes: Conceptualization, Measure Development, Measure Test and Model Fit. *Management and Labour Studies*: 40(1&2) 1-21.

Jawarneh, M., Iyadat, W., Al-Sudafed, S., & Khasawneh, L. (2008). "Developing critical thinking skills of secondary student in Jordan utilizing Monro and Slater strategy and McFarland strategy". *IJAES*-3.1.No.84.

Kovic, M. (2016). A generalized definition of critical thinking (p. 18). *Swiss Skeptics Discussion Paper Series* 1.1.

Malekpour, K., & Delavar, A. (2017). The role of university education on creating an entrepreneurial spirit and ways to promote it. *Journal of Educational Research*, 31, 58-33

Zahedi, M., Mazdeh, M., & Simin, M. (2020). Evaluating the characteristic elements of entrepreneurship in students of Iranian University of Science and Technology. *Karafen Scientific-Research Quarterly*, 17, 3. 139-154

Morris, M., Vuuren, J., Cornwall, J., & Scheeper, R. (2009). Property of Balance: A Pendulum Effect in Corporate Entrepreneurship". *Journal of Business horizons*, 52 (5), 429-440.

Movahedi, Y., & Khodavardian, Z. (2010), "Study of entrepreneurial spirit of agricultural students and ways to improve entrepreneurship education". *Journal of Agricultural Extension and Education Research*, 3, 3.

Nasrabadi, N., Reza Ali, & Habibi, N. (2005), "New ideas in the philosophy of education". Samaqalam Publications, Tehran.

Nigg, C., Lippke, S., & Moddock, J. (2009). "Factorial invariance of the theory of planned behavior applied to physical activity across gender, age, and ethnic groups". *Psychology of Sport and Exercise*, 10(4), 219-25.

Nyello, R., Kalufya, N., Rengua, C., Nsolezi, M. J., & Ngirwa, C. (2015). "Effect of entrepreneurship education on the entrepreneurial behavior: The case of graduates in the higher learning institutions in Tanzania", *Asian Journal of Business Management*, 7 (2), 37-42

Otadi, M., & Safari, S. (1398). Investigating the effect of personality and behavioral characteristics in explaining students' entrepreneurial intent. *Journal of Entrepreneurship Development*, 12, 4. 520-500

Page, D., & Mukherjee, A. (2007). "Promoting Critical thinking skills by using negotiation exercises". *Journal of Education for Business*, 82 (5), 251-257.

Pourkiani, M., & Abdolali, B. (2009). "Examining Relationship between Organizational Climate of Sport Faculties and Departments and Entrepreneurship Sprits between Male Students". *Journal of Research in Sport Sciences*, 23, 123-136.

Rahimi, H., & Aghababaei, R. (2013), "Analysis of the relationship between entrepreneurship components and organizational dimensions". *Journal of Higher Education*, 6. 24: 53-70

Rahimi, H. (2001), "The need for entrepreneurship education in universities". Abstract of the articles of the forty-fourth meeting of the heads of universities and scientific-research centers of the country, Tehran: Institute of Higher Education Research and Planning, p.61.

Razzaqi, S. (2008), "What is Entrepreneurship". (June 12, 2010). Available on the site of Amirkabir University of Technology Entrepreneurship Center.

Samadi, P., Shirzadi E., & Homa. (2007), "Study of the relationship between school organizational climate and entrepreneurship in students". *Educational Innovation Quarterly*, 16, 5, 2, 2007.

Sezer, R. (2008). "Integration of critical thinking skills into elementary school teaching education courses in mathematics". *Education*. 128(3), 349.

Shahrakni, S. (2005). "Entrepreneur Characteristics". *Tadbir Scientific-Educational Monthly*, 16, 160.

Shariatmadari, A. (2001). "Criticism and Creativity in Thought", Cultural Institute of Contemporary Knowledge and Thought, Tehran.

Sharifzadeh, M., & Zamani, Gh. (2006). "Entrepreneurship Spirit in Agricultural Students". *Iranian Journal of Agricultural Sciences*, 37, 1, 1-10

Vee, D., & Dykstra, E. (2008). "Integrating critical thinking and memorandum writing into course curriculum using the internet as a research tool". *College Student Journal*, 42(3), 920-932.

Weeks, W., & Weinberger, S. (2004). "Evolution in health care business". *Journal of Health Care Finance*, 31(2), 53-61.

Wright, M. (2016). Understanding the social role of entrepreneurship. *Journal of Management Studies*, 53(4), 610-629

Zampetakis, A., Leonidas, A., Beldekos, A., & Panagiotis, S. (2009). "Day-to-day" entrepreneurship within organizations: the role of trait emotional intelligence and perceived organizational support. *European Management Journal*, 27, 165-175

Zeki, A. (2015). The effects of microteaching on the critical thinking dispositions of pre-service teachers. *Australian Journal of Teacher Education*. 40(6), 140- 153.

Analysis of critical tendencies in cultivating students' entrepreneurial spirit

Salman Darabi¹, Nematollah Azizi², Jamal Salimi³

Abstract

One of the components of measuring the productivity, quality and effectiveness of the higher education system is to cultivate the entrepreneurial spirit of students in any university. One of the most important influential variables in this component is critical thinking and tendencies and thinking styles. This descriptive-correlational study was conducted to investigate the relationship between critical tendencies in cultivating students' entrepreneurial spirit. The statistical population of the study included students of Kurdistan University who were selected as a sample using stratified random sampling method. The California Critical Attitudes Questionnaire (CCTDI) and the Entrepreneurial Mood Questionnaire were used to collect data. The results of this study showed that the average of entrepreneurship components among students of Kurdistan University is above average and also there is a high correlation (85%) between critical tendencies and entrepreneurial spirit. The results of this study confirm that those who have a high level of critical tendencies and truth-seeking, open-mindedness (intellectual), analytical, intellectual systematization, self-confidence, curiosity and cognitive maturity in them. They are at a high level, have a higher entrepreneurial spirit, and are more likely to do new and original work.

Keywords: Critical Tendencies, Entrepreneurial Spirit Development, Higher Education, Psychological Factors

1. PhD Student, Department of Educational Sciences, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Kurdistan, Kurdistan Province, Iran. Email: salman.d66@gmail.com

2. Professor, Department of Educational Sciences, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Kurdistan, Kurdistan Province, Iran

3. Associate Professor, Department of Educational Sciences, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Kurdistan, Kurdistan Province, Iran